

نشریه

کارگران فلز کار

شماره دوم - آذر سال ۹۰

E-mail: SKFelezkar@gmail.com

کارگر متحد همه چیز ، کار متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

\*اصلاحیه ای بنام نابودی قانون کار

\*اصلاحیه ای بنام نابودی قانون کار

\*اصلاح قانون کار به نفع زحمتکشان یا سرمایه داری

\*به مناسبت روز جهانی کودک (اکبر یاری)

\*آسیب شناسی جنبش سندیکاخواهی نوین

\*سخنی با فعالین سندیکایی [علی جعفری]

***We are 99%***

## آسیب شناسی جنبش سندیکاخواهی نوین ۲

### مقدمه

#### سخنی با فعالین سندیکایی

\* علی جعفری

بررسی نهاد اجتماعی سندیکا در شرایط خاص و ویژه آن در ایران با آگاهی اندکی که حاصل تجربه سال ها کار سندیکایی است تا آنجایی که در توان من است ابراز داشته و امید دارم کمکی به شناخت بیشتر این نهاد اجتماعی بنمایم .

همواره در طول تاریخ زندگی بشری سیستم بزرگتر بر سیستم کوچکتر تأثیر منفی و تخریب کننده و در نهایت در جهت رشد سیستم کوچکتر حالت رشد یابنده و تسریع دهنده داشته است . تاریخ سیستم های برده داری ، فئودالی ، سرمایه داری گواه این امر است . برای نمونه مکانیزم سیستم خانواده پس از کمون اولیه را انتخاب نموده و بررسی می کنم . با اشاره به گذشته این سیستم ها مشخص می شود که چگونه مجموعه بزرگتر بر مجموعه کوچکتر اثر منفی می گذارد . سیستم خانواده که بر اساس نیاز اجتماعی انسان ها و عشق و علاقه به بقا زندگی و طبیعت اجتماعی او سامان یافته و تا انسان وجود دارد ادامه خواهد داشت را در این سه دوره تاریخی بررسی می کنیم .

در سیستم برده داری ، خانواده برده ها اکثریت جامعه را تشکیل می دهند . مکانیزم برده داری ، برده و خانواده اش را ملک و اموال جاندار برده داران می شناسند . صاحب برده می تواند زن و بچه ها را بفروشد ، ببخشد ، و یا بکشد و این مکانیزم و سلطه به عنوان قوانین برده داری در خانواده آزاده گان نیز تأثیر متقابل داشته و زن و بچه ها را مرد خانواده متعلق به خود می دانست و زن و فرزندان اختیاری نداشتند . در سیستم فئودالی که زمین اصلی ترین ابزار تولید است قوانین به صراحت زنان را ملک مردان می شناسد و مالکیت مرد بر زن و فرزندان قانونی است . زن در خانواده مرد هیچ اختیاری نداشته و هر زمان که مرد اراده می کرد می توانست حتی در خفا زن را طلاق بدهد و بعد بیاورد در خانه به زنش بگوید که تو را طلاق داده ام . در فئودالیسم تمام رعایا و خانواده شان در زمان فروش املاک ارباب همراه با تمام احشام و زمین و آب فروخته می شد و رعیت و خانواده اش هیچ اختیاری نداشتند .

در سیستم سرمایه داری که ظاهراً کارگر آزاد است ، تمام ارزش های اجتماعی بر اساس معیار پول ارزش گذاری می شود و همه ارزش های انسانی کالا محسوب می شود .

نهادهای مردمی و تشکل های صنفی و اجتماعی درکشورهایی که اقتدار گرایی حاکم است دایماً دچار مشکل شده و بامحدودیت های شدید روبرو هستند. بارها سندیکاهایی که با تلاش و جان فشانی کارگران آگاه بوجود آمده با یک بورش نیروهای پلیس و چماقداران ضد سندیکایی متلاشی شده و یا در صورتی که این تشکل مقاومت کرده و بر حقوق مدنی خود پافشاری کنند، بسیاری از نمایندگان و فعالان کارگری بابها نه های واهی به زندان کشیده، یا از کار خود اخراج شده اند و مجبور هستند باندانشن درآمد خانواده خود را اداره کنند و هم روابط سندیکایی خود را حفظ کنند و وظایفی را که مجمع عمومی سندیکابه عهده آنها گذاشته است انجام دهند. این امر آن چنان باعث فشار و سختی و مشقت می شود که فشار زندان درمقابل آن هیچ است . قطع و وصل شدن فعالیت سندیکایی باعث می شود که نسل هایی که در پی هم می آیند با چند و چون فعالیت اجتماعی و وظایف شهروند مدرن آشنا نشوند و در او هام و هراس در زندگی پر تلاطم امروزی خود را بی کس و تنها حس کنند. فشار های اقتصادی و نارسایی های اجتماعی را تقدیر خود بدانند و طبیعت زندگی امروزی را مشقت بار و تغییر ناپذیر بدانند. وظیفه کارگران آگاه است که آموزش سندیکایی و حقوق اجتماعی انسانها را که در قانون و عرف جامعه انسانی منظور شده آموزش دهند. استمرار آموزش و تلاش مداوم آگاهان و دلسوزان جامعه به این جهت لازم است که قدرتمندان و تشکل سنیزان در عین حال که تشکل های مردمی را با استفاده از پلیس و چماقداران به تعطیلی می کشند آموزش های غلط و غیر اخلاقی و روحیات فردگرایانه و اوباش گرایانه را ترویج و گسترش می دهند. سینمای معروف به آنگوشتی در زمان پهلوی که تنها سرگرمی بیشتر کارگران و خانواده های آنها بود و سینمای بی محتوای امروزی که جاهل ها را به جبهه می کشاند و تقدیس می کند نمونه عینی بدآموزیهای آگاهانه و با برنامه است که منجر به پوکی ذهن جوانان میشود و آنها را برای بهره برداران و استثمارگران آماده می کند. با توجه به این شرایط تصمیم گرفته ایم آموزش های لازم سندیکایی و اجتماعی را با کمک پیشکسوتان و سپید مویانی که عمر خود را صرف فعالیت اجتماعی کرده اند و تجربیات ارزشمندی اندوخته اند به جریان بیاوریم. تلاش خواهیم کرد آموزشها و دیدگاه هایی که توسط پیشکسوت هابرای ما فرستاده می شوند منتشر کنیم. امیدواریم پیران دلسوز که تکیه گاه جوانان هستند ما را یاری کنند.

پیشکسوتان سندیکایی

مهر ۱۳۹۰

فکری حزب توده ایران مجدداً پدید آمدند که صد البته نمی توان شرایط اجتماعی اوایل دهه بیست را نیز از نظر دور داشت . این مرحله از فعالیت سندیکا ها که از ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۲ به مدت ده سال ادامه یافت و در این سال ها هر چه جنبش سندیکایی و طبقه کارگر تجربه کسب نموده بود با کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق ، احزاب سیاسی و سندیکا های کارگری که عمدتاً از حزب توده ایران متأثر بودند ، منحل شد .

تجربه تلخ دو مرحله انحلال سندیکا های وابسته به احزاب کارگری ، پیشکسوتان و کارگران آگاه را به تفکر و تحقیق پیرامون پیدایش جنبش سندیکایی و مبارزات گذشته این طبقه و بررسی فراز و نشیب های آن به این نتیجه رساند که قبل از پدید آمدن احزاب سرمایه داری و سوسیالیستی جنبش سندیکایی به دلیل نیاز روز افزون طبقه کارگر در درون سیستم سرمایه داری با همت و تلاش کارگران در انگلستان پدید آمد . این بررسی و تجربه تلخ و قطع پروسه مبارزات سندیکایی بعد از ۲۸ مرداد کارگران را به این نتیجه رساند که روش نزدیکی سندیکا ها به احزاب به خصوص به احزابی که سعی در بهبود وضعیت اجتماعی و طبقه کارگر را دارند روشی مطلوب نیست . و نتیجه ای جز حمله هم زمان به احزاب مترقی و سندیکا ها را در پی نخواهد داشت . از این رو طرح ویژه استقلال سندیکا از احزاب دولتی و غیر دولتی به خصوص پس از ۲۸ مرداد که دستاورد طبیعی مبارزه تاریخی بیش از دو قرن جنبش جهانی سندیکایی است در دستور روز فعالین سندیکایی قرار گرفت .

از سال ۱۳۳۴ سندیکاهای مستقل توسط هیات موسس این سندیکاها ، با تنظیم اساسنامه به وزارت کار دولت کودتا ، و درخواست ثبت سندیکاهای مستقل را از وزارت کار نمودند . این سندیکاها همواره از نفوذ و تهاجم رژیم شاه و ابزار سرکوب آن ، ساواک و احزاب سیاسی وابسته به رژیم شاه در امان نبودند . با این وصف بهترین دستاورد این سندیکاها ابزار قانونی ، اساسنامه مستقل بود که تدوین شد و آن گروه از نمایندگان اصیل جنبش سندیکایی که دچار ضعف مقام و رفاهیت و تحت تأثیر احزاب نبودند توانستند با نام سندیکاهای مستقل به وظیفه انسانی طبقاتی خود عمل کنند و با اتکا به توان و حمایت کارگران صنف در حد امکان و توان به کارگران خدمت نمودند . پس از سرنگونی رژیم شاه و پیدایش ج . ا . ا در ۱۳۵۷ مجدداً جنگ احزاب و سازمان های سیاسی بر سر تصاحب سندیکا ، شروع شد . سندیکا مرکز تصفیه حساب و تاخت و تاز مدعیان طرفداری از طبقه کارگر قرار گرفت و آنچه اتفاق افتاد در سایه قرار گرفتن منافع طبقه کارگر ، استقلال آن و فراموشی کارکرد های سندیکایی بود . در این کشمکش دزد سوم آمد و زر را برد . با تغییر قانون اساسی نام سندیکا از ساختار اجتماعی ایران حذف شد و هم زمان با ظهور تشکل های حمایت شده از طرف دولت با پسوند اسلامی و هجوم و تسخیر خانه کارگر به عنوان مدعیان مدافع منافع طبقه کارگر ، خود را به جامعه کارگری

یک کارگر در هشت ساعت کار با چند دلار یا چند تومان ارزش گذاری می شود . ازدواج هر خانم با همسرش تحت عنوان مهریه قیمت گذاری می شود . هر چه ارزش دختر و خانواده اش بیشتر باشد مهریه او گران تر است . این توضیح در مقدمه بررسی نهاد سندیکا از این رو آورده شد تا تأثیر مکانیزم سیستم ها را بر مجموعه کوچکتر مانند نهاد خانواده مشخص شود .

اکنون به تأثیر مکانیزم دو سیستم جهانی سرمایه داری و سوسیالیستی و دخالت رژیم های آنها در دولت ها و احزاب می پردازیم تا مشخص شود چگونه مبارزه خود جوش جنبش جهانی طبقه کارگر ، سندیکا ها ، فدراسیون ها و کنفدراسیون ها تحت تأثیر قرار داده و احزاب سرمایه داری این نهاد خود جوش را مورد تجاوز و تخریب قرار داده اند و یا سیستم سوسیالیستی چگونه آنها را در سایه قرار داده و باعث عدم بازسازی طبقه کارگر و بی انگیزه گی و فروپاشی آن را منجر شده است . بر خلاف جنبش خود جوش سندیکایی اروپا ، در ایران جنبش سندیکایی با چهار مکانیزم جهانی ، داخلی ، احزاب سیاسی ایران و تأثیر ویژه دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله مواجه بوده است . با اشاره مختصر به دیکتاتوری تاریخی ایران که پس از دو حکومت سیستم فئودالی کوروش و داریوش که عمده دیکتاتوری آنها بر علیه فئودالهای تجزیه طلب و متجاوزین خارجی حکومت های بابل و آشور و تهاجم قبایل از سوی شرق ایران ادامه داشت ، کارها و خدماتی که این دو پادشاه انجام دادند ، چه در ایران و چه در خارج ایران از افتخارات تاریخی ملت ایران می باشد که نیازی به بحث آن نیست . از زمان خشایارشا تا کنون تاریخ کشور ما به وسیله حکومت های بسیار مستبد و خشن هخامنشی ، اشکانی ، ساسانی و پس از اسلام و در یک صد ساله اخیر حکومت های دیکتاتوری اداره شده است .

مجدداً تأکید می کنم تأثیر مکانیزم دو سیستم جهانی سرمایه داری و سوسیالیستی با ویژگی پدید آمدن سندیکا ها توسط احزاب در ایران و مکانیزم احزاب داخلی با دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله و وابستگی رژیم های ایران به امپریالیسم جهانی و قطع پروسه تاریخی این نهاد از سوی رژیم های استبدادی ضربات جبران ناپذیری به طبقه کارگر و جنبش اجتماعی ایران وارد کرده است . اولین سندیکا های کارگری در صنوف چاپ و شرکت نفت در ۱۳۰۳ خورشیدی پدید آمدند و با کودتای ۱۲۹۹ سید ضیا و رضا خان به رهبری امپریالیست مسلط آن زمان انگلستان و سرکوبی جنبش مشروطه ، احزاب و سندیکا ها و آزادی های سیاسی اجتماعی توسط رضا خان ، پروسه اول سندیکا ها در ایران در سال ۱۳۱۰ پایان یافت . پس از ده سال با شروع جنگ دوم جهانی و ورود متفقین به ایران و برکناری رضا خان از قدرت و آزادی زندانیان سیاسی و به طور عمده گروه ارنی و چند تن از حزب عدالت و تشکیل حزب توده ایران به توسط این زندانیان سیاسی ، سندیکا ها که با رهبران اتحادیه ای دوره اول تقریباً قطع ارتباط شده بودند به یاری زندانیان سیاسی که عمدتاً کار کارگری را در دستور روز قرار داده بودند و با کمک

مبارزه می کنند . امید است این روش خرد گرا و کنکاش گر به دور از تعصب و یکجانبه گری چه در کار سازماندهی حزبی و چه در جهت مبارزه سندیکایی هدفمند ادامه یابد و از طرف احزاب مترقی اولین شرط مبارزه و سازماندهی و آموزش افراد قرار گیرد . امیدوارم با این روش زمینه یک مجموعه ارگانیک سازمانده کارگروهی ، اجتماعی پدید آید تا بتوانیم به سمت یک جامعه دموکرات راه یابیم و از تاثیر مکانیزم سلطه احزاب ، دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله و همچنین سلطه سرمایه داری جهانی بر این نهاد ها مانند فرهنگ ، بهداشت ، خانواده ، سندیکا ها و همه نهاد های اجتماعی که در زندگی نوع بشر وجود دارند تا حد زیادی بکاهد .

اکنون به چند نمونه از کار و روش سندیکاهای مستقل بپردازیم .

۱- روش ما در برابر سندیکاهای کارگری چه مستقل و چه وابسته ، احزاب مترقی یا دولتی در زمان دیکتاتوری شاه بر اساس حمایت هر خواسته صنفی که در آن زمان کارگران داشتند بود و ما از آن خواسته دفاع و حمایت می کردیم . پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ساواک به شدت سندیکا ها را همراه با احزاب و گروه های سیاسی زیر کنترل گرفت و به همه ابلاغ نمود که هیچ سندیکایی بدون اجازه ساواک حق ندارد حتی یک تراکت چاپ نماید . چندی بعد هیات مدیره سندیکای نانوایان تهران که از مدت ها پیش تقاضای بیمه نمودن کارگران نانو را از وزارت کار کرده بودند و وزارت کار هر بار این مسئله را به تاخیر می انداخت هیات مدیره کارگران نانو پس از گذاشتن مجمع عمومی و انتخاب چندین هیات مدیره که در غیاب هیات مدیره اصلی و دستگیری به نوبت حرکت اعتراضی را که تحصن در مجلس شورا بود را به عهده بگیرند و وارد عمل شوند ، هیات مدیره نانوایان جهت اجرایی شدن بیمه کارگران نانو در مجلس متحصن شدند . من بلافاصله هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط را همان روز به سندیکا دعوت نموده مسئولیت و وظیفه هیات مدیره و کارگران خیاط را در برابر خواسته به حق کارگران نانو توضیح دادم و قرار شد علی رغم اخطار ساواک تراکتی بدون اجازه ساواک و به حمایت از کارگران خباز چاپ و در تمام نانوایی ها پخش نمایم . روز دوم تحصن این حمایت انجام شد و در همان روز بلافاصله با نمایندگان سندیکاهای دیگر مانند کفاش ، بافنده سوزنی ، فلز کار مکانیک ... تماس گرفته و آنها نیز در شعبه های سندیکای کارگر نانو حاضر شده حمایت خود را از این خواسته کارگران اعلام نمودند . مجددا با نمایندگان دیگر سندیکا ها قرار گذاشتیم که همزمان با جلسه هفتگی شورای دبیران سندیکا ها ، سندیکاهای مستقل قبل از تشکیل جلسه شورا ، پیشنهاد حمایت سندیکا ها از حرکت اعتراضی کارگران نانو را به جلسه اعلام نماید و از آنها بخواهند که با وزیر کار تماس گرفته و از وزیر کار بخواهند به خواست کارگران خباز توجه نماید . این عمل هماهنگ و سریع در مدت ۳ روز نقش ارزشمندی داشت و باعث شد که وزیر کار و ساواک در عمل انجام شده قرار گیرند.

تحمیل کردند . ما تا کنون یک بخش از مکانیزم ها را در جهت جنبش و سازماندهی طبقه کارگر مشخص نمودیم . بخش اساسی ، نقد و بررسی آموزش و سازماندهی احزاب ، خصوصا احزاب متمایل به فلسفه علمی است . مشکلات و محرومیت های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای عقب مانده ای از جمله کشور ما زمینه مناسبی است برای پیدایش احزاب مترقی و انقلابی . زیرا که احزاب می توانند انبوه مشکلات مردم را به وسیله نشریات بازگو نموده و حل آن را به دفاع از مردم و حقوق قانونی آنها از دولت بخواهند . از این رو حکومت های وابسته به سرمایه داری جهانی همواره جلو رشد افکار عمومی و پیدایش احزاب مترقی و انقلابی را با ابزار سرکوب ساواک و نیروهای نظامی و انحلال احزاب ، تمام آزادی های اجتماعی را از مردم سلب نموده و با این روش استبدادی پیرویه تاریخی مبارزات ملت ها از جمله ملت ما پیاپی قطع و مجددا شروع شده . این روند از تاریخ مشروطه تا کنون چندین بار تکرار شده این مکانیزم مهمترین مشکل اجتماعی احزاب مترقی و انقلابی ایران است . قطع روند رشد تاریخی طبقه کارگر که در احزاب و نهاد های دموکراتیک از جمله سندیکاها باعث شده تجربه و آگاهی در جهت شناخت و ویژگی مبارزات طبقاتی ملت ایران و سازماندهی مردم و رهبری نهاد های سیاسی و سندیکایی و آگاهی های عمومی ملت ایران ضعیف باشد . یکی از ضعف های احزاب مترقی ، سازماندهی و جذب نیرو در کشور ماست . احزاب طرفدار فلسفه علمی در ایران معمولا روش شان در جذب نیرو همانند رقابت با احزاب سرمایه داری است و همواره سعی دارند قشر های فعال رقیب را از صحنه رقابت کنار بگذارند . این احزاب در جذب افراد جامعه در رقابت مسابقه ماندنی ، انبوهی از نشریات و تحلیل های خود را در اختیار اعضا می گذارند . و چنان آنها را از روند حقیقی واقعیت ها دور می مانند که به جای یک انسان آگاه و مبارز و هم جانبه نگر به یک موجود متعصب و یکجانبه نگر تبدیل می گردند و یا آنقدر کار تشکیلاتی بر روی دوش افراد می گذارند که فرصت فکر کردن را پیدا نمی کنند . در نتیجه اعضای این گونه احزاب مترقی از خود سازی و کنکاش گری دور می مانند . حال تصور کنید با این گونه سازماندهی این افراد به سندیکاها جهت فعالیت روی بیاورند . امید است پس از تقریبا یک قرن مبارزه ، احزاب و سازمان هایی که فلسفه علمی را سلاح مبارزه طبقاتی طبقه کارگر می دانند ، به جای روش سیاسی بازی ، اندیشه علمی و مبارزات و تجربه تاریخی طبقه کارگر را به عنوان اولین بعد سازماندهی به اعضا حزب خود به خصوص طبقه کارگر بیاموزند و از افراد جامعه بخواهند که در اشاعه امر حقیقت طبقه کارگر ، افرادی خرد گرا - کنکاش گر - یاد گیر و آموزش دهنده باشند و در امر آموزش خود و طبقه کارگر این اولویت را فراموش نکنند . خوش بختانه بعد از ۲۸ مرداد و تشکیل سندیکاهای مستقل و تجربه کار در زمان دیکتاتوری شاه ، در انقلاب ۲۲ بهمن نیز افراد بیشتری به این نتیجه درست رسیدند و اکنون در جهت تشکیل و احیا سندیکاهای مستقل

آنچه می توان به عنوان دستاورد در آینده سرلوحه کار سندیکایی قرار گیرد به طور مختصر اشاره می کنم .

الف) یک انسان مبارز و سندیکایی باید از هر گونه خود بزرگ بینی و یک سو نگر و تعصبات حزبی و سیاسی در برابر مردم بپرهیزد و این ذهنیت را که دیگران چون مانند من فکر نمی کنند پس نمی فهمند را از بایگانی ذهن خود پاک کند و تا آنجا که در توان اوست خدمت به مردم را سرلوحه کار و روش خویش قرار دهد . افراد فعال سندیکایی می توانند خدمات زیادی در جهت کمک به کارگران و خانواده هایشان در زمینه های فرهنگی اعم از شرکت در غم و شادی و حتی اختلافات خانوادگی و کمک به حل این گونه اختلافات در ارتقا رشد آگاهی اجتماعی و تبلیغ برای سندیکا و اهداف آن انجام دهند .

ب) مردم ما بیش از دویست سال است که در زیر سلطه امپریالیسم زندگی می کنند و رهایی از آن بدون همکاری همه احزاب مترقی ، ملی ، نهاد های اجتماعی مانند سندیکاها ، انجمن های زنان و دانشجویان و در یک کلام توده های مردم محال است . شرط اصلی یک سندیکایی بودن احترام به عقاید همه دگر اندیشان سیاسی و قومی است . یاری نمودن و یاری خواستن و هماهنگ شدن با کلیه آزادی خواهان ، هنرمندی یک سندیکاییست و در جهت رسیدن به اهداف عام جامعه . این روش در تمام نهاد های اجتماعی از خانواده - سندیکا و احزاب یک امر ضروری است . برای نجات از دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله که در طی این دوره تاریخی همواره مردم را از فکر کردن بر حذر داشته اند و تنها مطیع بودن را از آنان خواسته اند ، باید تاکید سندیکالیست ها به مردم در تمام زمینه ها آموزش فکر کردن باشد و این مهمترین وظیفه هر فرد مبارز و انقلابی است . سندیکا که مردمی ترین نهاد جامعه است باید در برابر هر سوال این گونه آموزش دهد که شما چگونه فکر می کنید و به آنها متذکر شویم که شما در این مورد فکر کن ، من هم فکر خواهم کرد تا باهم فکری هم راهکاری را پیدا کنیم .

طی هزاران سال برایمان فکر کرده اند و ما را از اندیشیدن بر حذر داشته اند امروز این مهم ترین وظیفه انسانی به عهده کلیه کسانی است که با مردم اعم از دانش آموز ، دانشجو ، زنان ، کارگران ، کارمندان در ارتباط هستند ، می باشد . حاکمان برای حفظ منافع و قدرت حاکمیت شان از کانال های مختلف که امروزه در رسانه های عمومی تبلور یافته با بمباران اطلاعاتی باز هم اندیشیدن را از مردم سلب کرده و تحلیل هایی را در ذهن مردم به عنوان آگاهی و فرهنگ طی سالیان وارد نموده اند تا روشی از زندگی مردم شود . می خواهم شما را به این نکته از نظرات افلاطون جلب کنم :

یک برده خود باید خوب کار کند ، یک فیلسوف خوب باید خوب فکر کند ، یک نظامی خوب باید خوب بجنگد و یک صاحب خوب برده های خود را مانند املاک و اموالش باید خوب حفظ کند و این چقدر خدا پسندانه است ( مدینه فاضله افلاطون)

وزیر کار به مذاکره و اجرای بیمه برای کارگران خباز وادار شد . این موفقیت سریع آن هم در زمان حاد بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اتحاد کارگران خباز و حمایت بی دریغ از هیات مدیره سندیکای کارگران نانوا و آگاهی و روش درست هیات مدیره سندیکاهای کارگری و پیش کسوتان صنف خباز و حمایت سریع سندیکاهای مستقل دستاوردی بیاد ماندنی شد .

۲- هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط به مدت شش سال تلاش پی گیر از وزارت کار و سازمان بیمه های تامین اجتماعی درخواست بیمه شدن کارگران خیاط را نمود و در این راستا با همکاری و حمایت کارگران صنف به این مهم دست پیدا کرد اما سندیکای خیاط تنها در این موارد فعال نبود بلکه سعی در درک شرایط اجتماعی و نیازهای فردی کارگران خیاط نیز بود .

پس از دو سال بحث و تحلیل شرایط در هیات مدیره سندیکای کارگران به این نتیجه رسید که روش سندیکا در درون صنف خیاط بر اساس تضاد خلق و امپریالیسم باید به وحدت همه گروه های سیاسی مخالف شاه جهت داده شود لذا با دعوت از همه افراد سیاسی صنف با گرایشهای مختلف که آنها را می شناختیم از اعضا و هواداران جبهه ملی ، نهضت آزادی ، حزب ملت ایران ، حزب توده ایران ، گروه ارانی ، سوسیالیست های طرفدار خلیل ملکی و جریان هایی نظیر ساکا و طرفداران آیت الله خمینی که پس از ۱۵ خرداد به جبهه مخالفین شاه پیوسته بودند جلسه مشاوره ای ترتیب داده و از آنها خواستار کمک فکری و عملی شدیم و با یاری این گروه ها ما موفق شدیم که هر سال مجمع عمومی را با بیش از ۲ هزار نفر کارگر خیاط در انتخاب هیات مدیره شرکت دهیم که بدون هیچ گونه اختلاف و چند دستگی انتخابات انجام می گرفت .

۳- یکی از کارگران خیاط در عنفوان جوانی به علت بیماری کلیه درگذشت او یکسال بود که خانه کوچکی جهت رفاه خانواده اش خریده بود که نصف پول آن را نقد و مابقی را نزول کرده بود . پس از مرگ این کارگر خیاط نزول خوار پست که مردی چهل ساله بود دارای زن و فرزند ، به این خانواده جهت بدهی فشار آورد و تقاضای شوم ازدواج با دختر ۱۳ ساله کارگر مرحوم را داشت که چنانچه خانواده این کارگر با این عمل موافقت نکند سفته ها را به اجرا گذاشته و عملاً خانه را صاحب شود . کارگران کارگاهی که آن کارگر در آن کار می کرد با مراجعه به سندیکا و گفتن ماجرا از سندیکا تقاضای حل این مشکل را کرد . هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط در مدت یک هفته با جمع آوری کمک مالی از درون صنف خیاط مبلغ ده هزار تومان کمک جمع آوری نمود که با پرداخت بدهی این خانواده کارگری ما بقی پول را برای مخارج یک سال به خانواده آن کارگر مرحوم واگذار کرد .

این سه نمونه را از میان صدها خدمات سندیکایی توضیح دادم چون کار گذشته را نمی توان در زمان حال و آینده الگو قرار داد از بقیه کارهایی که طی ده سال انجام شد خودداری می کنم اما

در سال گذشته از طرف وزارت کار اعلام داشت مبنی بر این که مناطق ویژه تجاری از مشمولیت قانون کار ایران خارج اند باعث گردید تا حتی کارگران از طرف دولت های خویش نیز حمایت نشوند و دست امپریالیست ها برای در هم کوبی اتحادیه های کارگری و استثمار به صورت غیر انسانی آن هم با اهرم بیکاری باز باشد. توجه طبقه کارگر جهانی به این حربه کثیف سرمایه داری پاسخی جز با اعتصابات - تظاهرات علیه جلسات ۸ کشور صنعتی جهان - اخلال در برگزاری جلسات سازمان جهانی سازی - دفاع از محیط زیست با محاصره نشست کشور های امپریالیستی که اخیرا در کشور استرالیا صورت گرفت ، می باشد .

جنبش جهانی صلح ، جنبش جهانی دفاع از محیط زیست (سبز ها ) ، فدراسیون و کنفدراسیون جهانی کارگران ، سازمانی جهانی زنان ، اتحادیه های جهانی دانشجویان سازمان بین المللی کار و احزاب مترقی ، گردان های بشری علیه این امپریالیست ها به شمار می روند .

د ) در قرن ۲۱ نیمی از مردم واجد شرایط کار بیکار خواهند شد . از این رو بیکاری یکی از مهمترین معضل های جامعه بشری است . زمینه مبارزه علیه بیکاری در جهان در اشکال مختلف ، از طرف هواداران حقوق بشر ، طرفداران جنبش جهانی صلح ، طرفداران محیط زیستی پاک و عاری از زیاله های اتمی و مهمترین آن طرفداران تامین اجتماعی وسیع و بیمه بیکاری با شرایط سهل تر برای پنج میلیارد جمعیت جهان پیش روی جامعه بشری قرار دارد . که نماد آن می تواند سندیکای کارگران بیکار باشد که نمونه موفق آن در هندوستان توسط سازمان ها و احزاب مترقی تشکیل یافته است .

ر ) تضاد عمده پیش روی مبارزات جهانی تک قطبی شدن جهان و مبارزه بین خلق ها و امپریالیست ها است . مبارزه علیه هر گونه دیکتاتوری از جمله حمله به کشور ها و اشغال آنها به بهانه نقض حقوق بشر و غارت منابع و سرکوب احزاب و سندیکاهای جنبش کارگری ، جنبش زنان و دانشجویان ، در دستور روز کلیه احزاب و نهاد های مردمی از جمله سندیکاهای قرار دارد . سندیکاهای به همراه دیگر سازمان های مترقی خواهان یک سیستم دموکراتیک جهت آزادی اندیشه ، ارزش مندی آرای مردم ، تامین و بسط حقوق اجتماعی از جمله آزادی اتحادیه های کارگری ، قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی که بدون حضور قدرتمندانه سندیکاهای کارگری ، احزاب مترقی وجود خارجی نخواهد داشت ، هستند . ما اعتقاد راسخ داریم که می توان به جهانی انسانی رسید و در این راه تلاش کرده و خواهیم کرد تا فرزندانمان در جهانی عاری از دیکتاتوری ، جنگ و بی عدالتی زندگی کنند . آن روز دیر نیست چون فردا متعلق به ماست .

\*دبیر سابق سندیکای کارگران خیاط

همین گفتار را در فرهنگ خودمان توجه کنید ، فردوسی شاعر عالی قدر که خدمات فرهنگی او در ادبیات پارسی بر کسی پوشیده نیست چنین می سراید

تو برزگری ، بیلت آید به کار  
ترا با نبرد دلیران چه کار

و یا چو فردا شود فکر فردا کنیم .

با توجه به اینکه نیروی عمده آن زمان را دهقانان تشکیل می داده اند کارکرد این شعر چه افیونی برای آنان بوده است و دهها نظیر این شعار گونه ها که به عنوان قانون ، فرهنگ ، شرع ، عرف از سوی طبقه حاکم به مردم ما تحمیل شده است .

ج ) تا بیست سال قبل بر اثر ۲ قطبی بودن جهان که ۲ نظام سرمایه داری و سوسیالیستی در برابر هم قرار داشتند مبارزه سندیکایی کارگران جهان به سه شاخه تجزیه شده بود که به اسامی زرد و سرخ و سوسیال مسیحی منشعب شده بودند . اکنون خطر روبات ها طبقه کارگر جهان را در شرایط جابه جایی از شکل گذشته به وضع تخصصی آینده تغییر داده و این امر رو به رشد می باشد . طبقه کارگر امروز شکلی بسیار متفاوت از چند دهسال اخیر یافته . متخصصین دانشگاهی امروز در جرگه مزد بگیران و زحمت کشان قرار گرفته اند و هم دوش طبقه کارگر در مقابل سرمایه داری جهانی و شکل ویژه روباتیک و رایانه ای کار قرار گرفته اند . خطر روبات ها اتحادیه های کارگری را در جهت همکاری صنفی ملی و جهانی به هم نزدیک نموده و در اکثر اعتصابات با هم همکاری می نمایند و تمام سعی و تلاش آنها جلوگیری از حمله به دستاورد های طبقه کارگر و بیکار نمودن کارگران است هم چنانکه در کشور ما با نادیده انگاشتن اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی که افراد را در برابر قانون مساوی دانسته ، با بستن قرار داد های متفاوت برای یک کار معین (روز مزد ، پیمانی ، قرار داد موقت) جهت رقابت بخشیدن برای جایگزین شدن هر کارگر به جای کارگر دیگر ، سعی در هر چه جدا نگاه داشتن کارگران از یکدیگر و هم مسابقه برای هر چه بیشتر استثمار شدن کارگران را به یک امر دائمی تبدیل کنند تا با رو در رو قرار دادن کارگران از اتحاد آنها جلوگیری نموده به استثمار کارگران هر چه راحت تر ادامه دهند . و همچنین با سیال شدن سرمایه و بیکاری روز افزون طبقه کارگر کارگران را از شخصیت طبقاتی اشان دور کرده آنها را به موجوداتی دلال و بی هویت تبدیل کنند . موج جهانی سازی با شعار ورود و خروج سرمایه آزاد است ، این امکان را به سرمایه داری جهانی داده که با انتقال سرمایه به مناطقی که کارگران با پائین ترین دستمزد ها و بدون هیچگونه سپر دفاعی که اتحادیه ها و قوانین کار مترقی می باشد مبادرت به استثمار و اندوختن ثروت بنمایند . و هر کجا که دولت ها برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی تلاش می کنند این امکان از طرف دولت ها به سرمایه داری جهانی برای استثمار کارگران فراهم می شود . نمونه آن انتقال کارخانه های پژو ، تویوتا ، فیات را به کشورهای جهان سومی مانند کشور ما دانست . و از طرفی مصوبه ای که دولت ایران

# خبرنامه فلز کار

## شماره ۳۷

است ۴ میلیارد و ۱۲۵ میلیون تومان. این پنت هاوس را بگذارید در کنار آپارتمان ۲۵ ساله ای در خیابان امام زاده عبدالله، نزدیک میدان آزادی، در کوچه ای ۲ متری، توالی جز و مشاعات است! راهرویی تنگ و تاریک، قیمت این نیم طبقه که می گویند آپارتمان است را ۳۵۱ میلیون تعیین کرده اند.

\* وزیر مسکن: به مشاوران املاک گفتیم کار کارگزاری کنند، یعنی کار مسکن بدهیم کارهای فروش اقساطی، اخذ دفترچه و پایان کار را انجام بدهند. بنای ما و شما این است بدون آب و برق واحدی افتتاح نشود. شهادت می دهم با همه توان کار کنند که واحدی بدون خدمات زیربنایی افتتاح نشود. اما جرم ما این است که ساختمان ها را زود ساخته ایم. آنها هم پیش می روند اگر تحمل کنید، مشکل حل می شود.

**کارگر فلز کار** - آقای وزیر جرم ما این است که ۴ سال است پول به شما داده ایم هنوز واحدی تحویل نگرفته که هیچ، قیمت راهم دو برابر کرده اید که هیچ، تازه آب و برق و گاز هم ندارد که هیچ، باید تحمل هم کنیم حرف هم نزنیم.

\* مدیرعامل بانک ملی از کشور بطور قانونی خارج و به کانادا رفت. آرمان ۹۰/۷/۷

**کارگر فلز کار** - یکی از عناصر اصلی اختلاس که تابعیتی دوگانه دارد از کشور خارج شد و به کشوری رفت که قرارداد استرداد مجرمین با ایران را ندارد. آیا تنها این شخص از مدیران اجرایی تابعیت دوگانه دارد و زن و فرزندانش در خارج هستند؟؟ آیا در حال حاضر در میان مدیران درجه اول دیگر کسی از این قماش وجود ندارد؟؟ بخش امنیتی کشور که هر حرکت سندیکالیست ها را در زیر ذره بین دارد، چگونه از این چنین اشخاصی براحتی عبور کرده و حتا از خروج شان هم ممانعت نمی کند؟؟ برای سرمایه داری انگل تجاری خاوری ها مشکل اساسی نیستند که ۳۰۰۰ میلیارد ثروت مردم ایران را با همدستی خائنین به یغما می برند، بلکه زحمتکشان و فعالین این عرصه دشمن واقعی بشمار می روند که از امنیت ملی و اقتصاد و ثروت ملی هم چون مردمک چشم مواظبت می کنند.

\* صندوق بین المللی پول در آخرین گزارش خود اعلام کرد، قطر از نظر شاخص قدرت خرید ثروتمند ترین کشور جهان است. سرانه تولید ناخالص داخلی قطر ۸۱ هزار و ۴۶۶ دلار است که حدود ۱۰ برابر ایران است. اینکه قطر چگونه توانسته است به این حد از ثروت برسد سوالی است که مستقیماً به ایران مربوط می شود. ایران و قطر در خلیج فارس صاحب یک میدان گازی مشترک هستند. طبق مقررات بین المللی ایران و قطر به عنوان مالکان این میدان، که بزرگترین میدان گازی دنیاست، می توانند هر اندازه که بخواهند آن برداشت نمایند. این طور نیست که سهم هر کدام ۵۰ درصد از کل این میدان باشد. بنا بر این ممکن است کشوری با برنامه ریزی و سرمایه گذاری ۹۰ درصد برداشت کند و آن دیگری ۱۰ درصد. قطری ها در سالهای اخیر بایک برنامه ریزی دقیق و با همکاری شرکت های مهم نفت و گاز جهان، اقدام به استحصال گسترده گاز و میعانات گازی از این حوزه مشترک کرده اند. در حال حاضر آنان تنها از رهگذر صادرات LNG حاصل از پارس جنوبی، در سال ۴۰ میلیارد دلار سود خالص به جیب می زنند. قطری ها با مدیریت کارآمد توانسته اند سهم ایران را تصاحب کنند. کارشناسان می گویند ایران در پارس جنوبی نسبت به قطری ها ۱۰ سال عقب است و خبر بد اینکه شیب این میدان نیز به سمت قطری ها ست. ملت ایران سهم مناسب خود از بزرگترین میدان گازی کل تاریخ، راهرگز دریافت نخواهد کرد، زیرا زمانی فازهای ایرانی پارس جنوبی تکمیل می شوند که در این میدان گازی نمانده است. در حال حاضر پیمانکاران فاز ۱۱ مدت هاست امروز وفردا میکنند و این در حالی است که در قطر کارها بر اساس برنامه به سرعت پیش می رود. قطری ها از پارس جنوبی به ثروت بسیاری رسیده اند. آنان با درک این واقعیت که روزی این میدان تپه خواهد شد، درآمد حاصله از آن را در اقصی نقاط دنیا سرمایه گذاری می کنند تا یک درآمد زاینده و دائمی برای نسل های آینده از خود برجا بگذارند. آرمان ۹۰/۷/۴

**کارگر فلز کار** - در عوض در ایران سرمایه داری انگل تجاری با کارشکنی در امر اقتصاد ملی و از بین بردن زیر ساخت های کشور به اسم خصوصی سازی و غارت ۳۰۰۰ میلیاردی ثروت مردم و فرار به دامن سرمایه داری جهانی در قبال اربابان پلید خود انجام وظیفه می کنند.

\* دره طبقاتی در بخش مسکن، از پنت هاوس های ۸ میلیونی تا توالی های مشترک سه راه آزادی. پنت هاوس ۵۵۰ متری شمیران، ۲۰۰ متر تراست با اینما و آلاچیق، استخر اختصاصی، مشاعات بی نظیر در ۴۰۰۰ متر زمین. این پنت هاوس ناقابل

بیکاری و فقر نشان از کارگرسنیزی اخراج کنندگان دارد."

### \* جنبش وال استریت آمریکا:

به گفته دانیل ویلیامز مسوول تظاهرات مردم شیکاگو، اقدامات خشونت بار پلیس باعث تحریکات بیشتر اتحادیه های کارگری در شیکاگو و دیگر ایالت های در حمایت از تظاهرات اعضای جنبش تسخیر وال استریت می شود. دیلماروسف رییس جمهور برزیل نیز در سفر به پرتوریا به منظور شرکت درگردهمایی کشورهای هند، برزیل، آفریقای جنوبی حمایت خود را از جنبش وال استریت و فروپاشی نظام سرمایه داری اعلام کرد.

**لندن:** مردم در لندن اعتراض خود را به شکاف طبقاتی موجود و عملکرد ضعیف اقتصادی دولت ائتلافی و نظام سرمایه داری کشورهای غربی ابراز داشتند. معترضین با سر دادن شعارهایی همچون ۹۹ درصد هستیم و خواهان برقراری عدالت در کشوریم و بانکداران فاسد باید هزینه بحران اقتصادی را بپردازند، نه مردم. سیاست های اقتصادی دولت را به باد انتقاد گرفتند. **یونان:** یونانی ها انتقاد خود را از سیاست های سختگیرانه دولت، افزایش میزان بیکاری و کاهش امکانات رفاهی اعلام کردند. اتحادیه های کارگری نیز سیاست های اقتصادی را در ناتوانی برای حل بحران بدهی و کاهش دستمزدها، افزایش مالیات ها و کاهش سن بازنشستگی به باد انتقاد گرفتند. **شیلی:** گروهی از دانشجویان خواستار افزایش بودجه مدارس در سال آتی و پاسخگویی دولت به خواسته معترضین شدند. اتحادیه های مهم کارگری پرتقال نیز در اعتراض به تصمیم دولت برای انجام اقدامات سختگیرانه خواستار برگزاری اعتصابات گسترده در کشور در روز چهارشنبه شدند. پرتقال پس از یونان و ایرلند سومین کشور در منطقه یورو است که گرفتار مشکلات اقتصادی و بحران بدهی بوده است. همچنین در اوکراین روز دوشنبه ۲ هزار نفر از سازمانهای غیردولتی در اعتراض به میزان بالای فقر و بیکاری درکی یف تظاهرات کردند.

\* نماینده مجلس: گروه امیرمنصور آریا باتوصیه یکی از وزرای دولت نزدیک به ۳ هزار میلیارد تومان (۲۰۰ درصد) در واردات گوشت قرمز سود داشته اند. این گروه علاوه بر واردات گوشت در واردات غلات، فولاد، راه آهن، جاده سازی دوطبقه، دامداری، کشتارگاه، و بانکداری و فوتبال دست داشته اند. آرمان ۹۰/۷/۲۳

**کارگر فلزکار -** سرمایه داری انگل تجاری که بخشی از آنان فعلا فاش شده اند بخشی نیز به خارج از کشور رفته اند، تنها به این فعالیت هامبادرت نمی کرده اند، بلکه نقش آنها در آوردن و بردن روسای جمهور، زندانی کردن کارگران سندیکایی، قتل عناصر آزادیخواه و مبارزه با آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی بر آگاهان پوشیده نیست.

\* **کارگر فلزکار:** در حالی که خبر اقامت خاوری مدیرعامل سابق بانک ملی در ویلای سه میلیون دلاری اش در تورنتو منتشر شده است، یک عضو هیات مدیره بانک ملی می گوید: از ابتدا قرار نبود خاوری به ایران باز گردد و کاری در ایران نداشته است!! کسانی که مراحل دریافت حق شهروندی را می دانند مطلع هستند که برای دریافت آن باید سوگند وفاداری به ملکه انگلستان و منافع کانادا را یاد کرد. ما نظر مسوولان در مورد خاوری را منتشر می کنیم: «وزیر اقتصاد و دارایی: ایشان به عنوان فردی عالم، باتقوا، و با تجربه و کارشناس مهربانیدی بر این حُسن انتخاب زد.» «معاون امور بانکی وزارت دارایی: خاوری اعتقاد راسخ به گسترش و تعمیق بانکداری اسلامی دارد.» فرصت طلبی و سوداگری در اقتصاد محصول فساد، و فساد محصول سرمایه داری است

\* جنبش «وال استریت را اشغال کنید» مردم آمریکا که از حمایت سندیکاهای کارگری و جنبش جهانی صلح و جنبش ضد جنگ حمایت می شود، اعتراضی است به نظام سرمایه داری و زیاده خواهی ثروتمندان که یک درصد مردم آمریکا را تشکیل می دهند. همچنین رشد بیکاری، توقیف خانه های رهنی زحمتکشان، نبود بیمه های اجتماعی می باشد. آرمان ۹۰/۷/۱۳

\* بررسی ها نشان می دهد: درآمد نفتی ۹۰ میلیارد دلار، واردات کالا و خدمات ۹۰ میلیارد دلار.

**کارگر فلزکار -** سرمایه داری انگل تجاری کلیه درآمد ناشی از نفت را این چنین چپاول می کند تا پولی برای باز سازی اقتصاد و رفاه مردم باقی نماند. از دل این سیستم خاوری ها و شهرام جزایری ها بیرون می آیند، نه شهید جهان آرا و شهید باکری که برای سربلندی ایران از جان شیرین خود مایه گذاشتند.

\* **اخراج ۳۰ راننده زن شرکت واحد.** فرحناز شیرینی اولین راننده خطوط بی.آر.تی. مسیر میدان آزادی دپوی شرق به همراه ۳۰ زن راننده دیگر از شرکت واحد رانده شده اند و خود دلیل این باز خرید اجباری را نمی دانند. شیرینی در ۱۰ اردیبهشت ۹۰ از شرکت اخراج و با شکایت به مراجع صلاحیت دار دوباره بکار بازمی گردد. در تیرماه اوبه همراه ۳۰ همکار دیگر اخراج گردیده اند. این رانندگان زن همگی از زنان سرپرست خانواری باشند و قبل از رسیدن مهلت قرارداد هایشان مجبور به باز خرید گردیده اند. شیرینی می گوید: مدتی است که بیمارم و دفتر چه بیمه هم ندارم و امکان پرداخت هزینه های درمان خود را هم ندارم.

- کارگران فلزکار مکانیک ضمن همدردی و اعتراض به این اخراج های غیرقانونی و غیرانسانی، از این کارگران حمایت کرده و اعلام می کند: "رانندگان ۳۰ زن سرپرست خانوار به دره هولناک



# به مناسبت روز جهانی کودک

## اکبر یاری

رواست به مسجد حرام است.

موضوع دوم: در روز کودک به تن دانش آموزان لباس مخصوص ماموران راهنمایی و رانندگی می کنند تا به آنها آموزش دهند که چگونه حاصل زحمت ساعتی از کار رانندگانی که شغل اصلی آنها کفاف هزینه های سنگین خانواده را نمی دهد و اجبارا به مسافركشی روی می آورند، به حساب قبض های جرمه واریز نمایند و نام اجرای قانون و یادگیری آن برای کودکان روی آن بگذارند. جالب است گزارش گران، فیلم برداران، عکاسان، رسانه ملی هم هیچیک از این همه فقر و نداری و نابرابری و روزگار تلخ کودکان ایرانی رانمی بینند تا به تصویر بکشند، یا گزارشی در مورد آنها تهیه کنند الا گرسنگی کودکان سومالیایی. روزگار تلخی است. در مملکت خودت فقر و نداری، اقتصاد ورشکسته، فساد اداری، رشوه خواری، نزدی های هزاران میلیاردی از بیت المال، بخش وسیعی از مردم ما را به نابودی کشانده آن موقع به فکر ارایه الگو به جهان هستیم. کودکان ایرانی این همه تلخی را با گوشت و پوست و استخوان احساس می کنند و عده ای در روز جهانی کودک به فکر نجات جان کودکان خارجی می افتند.

آیا روزی می رسد که در روز جهانی کودک یاد آوری کنیم که بخشی از مشکلات کودکان حل گردیده است.

وقتی می خواهی در مورد وضعیت کودکان در ایران چیزی بنویسی انگار قلم هم از تکرار مطالب تکراری در طول سالیان متمادی خسته شده است. شاید ذهن نویسنده یاری نمی کند که موضوعی را عنوان کند که دهه های متمادی جز و مشکلات کودکان بوده، ولی امروز نیست. دو مورد از برخوردهای کنونی با روز جهانی کودک شنبه شب ۶/۷/۹۰ از سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید که از نظر موضوعیت تازگی داشت، و همین باعث گردید که قلم راضی به همکاری شود.

موضوع اول: سیمای جمهوری اسلامی اعلام کرد که کودکان ایرانی به مناسبت روز جهانی کودک قلک های خود را در این روز برای کمک به کودکان سومالیایی شکستند. شکی نیست که در ایران خانواده هایی وجود دارند که برای کودکان آنها آفت دارد که پول ته جیبی آنها کمتر از چک پولهای با مبلغ بالا باشد. احتمالا اسکناس های خود را که برای آنها قداست خاصی دارد و نمی خواهند دور بریزند، و در مواقعی که به کار تبلیغی نیاز هست، حس انسانی آنها به کمک تبلیغات می شتابد. چرا این احساسات انسانی به کمک کودکان خیابانی ایران، کودکان کار کوره پزخانه ها، کودکان سرگردان در واگن های قطار شهری، کودکان اسپند دودکن در چهار راه های شهرهای بزرگ، نمی شتابد؟ شاید دلیلش این باشد که آنها در محله های خاصی زندگی می کنند و به دلیل استفاده نکردن از مترو و نرفتن به محله های شلوغ و آلوده از کودکان پرورده ی دامن فقر و نداری، از کودکان هموطن خود بی خبرند.

آنهایی که از شرایط خاصی برخوردار نیستند، پستهای خاصی ندارند و در محل های خاصی زندگی نمی کنند، برای آنها دیدن صحنه های دلخراش از زندگی کودکان ایرانی عادی می باشد. کار کودکان در کارگاههای نور و تاریک، کار سخت و طاقت فرسا در کوره پزخانه ها که جسم و روح آنها را تا روز مرگ از سلامتی بی بهره می نماید. دست فروشی، گدایی، کودکانی که به خاطر فقر شدید خانواده از تحصیل بازمی مانند، کودکانی که سلامتی و بهداشت برای آنها معنی ندارد و آثار تغذیه ی نامناسب در وجود آنها به خوبی نمایان می باشد. سواستفاده ی جنسی از کودکان، تبعیضهای ناروا و غیر انسانی که این کودکان در مدارس گوناگون و برای ورود به مرحله تحصیلات عالی با آن مواجه اند، همه اینها و خیلی بیشتر از اینها قلب مسوولان، رانت خواران، تجارانگل صفت که صنعت ملی را با واردات کالاهای خارجی به نابودی کشانده اند و فرزندانشان آنها را به درد نمی آورد، ولی قلک های خود را برای نجات کودکان سومالیایی می شکنند تا شب آسوده بخوابند. هیچ انسان عاقلی با کمک به انسانهای نیازمند مخالف نیست، اما چراغی که به خانه

وقتی که بی عدالتی  
قانون شود، مبارزه یک  
وظیفه است

## اصلاح قانون کار به نفع زحمتکشان یا سرمایه داری

طبق آخرین گفته ها اصلاح قانون کار آخرین مراحلش را طی می کند، بدون آنکه زحمتکشان ایران از این اصلاحات خبری داشته باشند. اظهار نظر هایی که تاکنون از جانب عوامل کارفرمایی ایرادگر دیده نشانگران است که سرمایه داری خیز بلندی برای نابودی تمامی دستاوردهای کارگری برداشته است و زیرپوشش توافقات کارگروکارفرما می خواهند فرزندان مان راهرچه کوچکتر کنند. به همین منظور باقولهایی که به سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول داده اند می خواهند بر طبق برنامه هدفمندی یارانه ها اصلاح قانون کار را به تصویب برسانند. این حرکت که در اواخر سال گذشته با موضوع افزایش دستمزدها رقم خورد، نشان داد که طبق برنامه پنجم توسعه هیچ افزایش دستمزدی نباید صورت بگیرد. برای اولین بار در تاریخ ۳۰ ساله افزایش دستمزد فقط ۹ درصد آنها با اعتراض زحمتکشان، افزایش یافت. در بهمن ماه سال گذشته بارها بطور ضمنی گفته شد که با افزایش یارانه ها دیگر احتیاجی به افزایش دستمزدها نیست و با افزایش دستمزدها تورم افزایش خواهد یافت.

سندیهای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد و کارگران فلز کار مکانیک در نامه سرگشاده به زحمتکشان در تاریخ ۸۹/۱۱/۲۲ متذکر گردیدند «جریانی بدنیا ناپودی دستاوردهای طبقه کارگر ایران در یکصدسال گذشته است. این جریان که با طرح قانون کار توکلی در اوایل دهه شصت با مبارزه پدرانمان به سایه خزیده بود، بار دیگر با طرح شیوه استادشگرودی در روابط کار، شیوه کار مزدی، نظر سازمان ملل در مورد خط فقر و درآمد یک دلاری، فرمول مصلحت برای تعیین دستمزد کارگران، با پرداخت یارانه های نقدی افزایش دستمزدی صورت نخواهد گرفت، پیش زمینه حمله به دستاوردهای یکصدساله طبقه کارگر است، و برای اولین قدم از افزایش دستمزدها حتا طبق قانون کار فعلی طفره رفته تا بتوانند با این شیوه در قدم بعدی قانون کار را نیز به موزه بسپارند» آنچه ما میدانیم این است که سرمایه داری در تمام دنیا چه ایران، چه یونان، چه آمریکا، چه زامبیا داری منافی مشترک است. همانطوریکه زحمتکشان در تمام دنیا داری منافی مشترک هستند. آنچه امروز سرمایه داری جهانی با اهرم سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول برای دنیا دیکته می کند و از حکام کشورها میخواد که سن بازنشستگی را افزایش دهند و یا از افزایش دستمزدها خوداری کنند و تامین اجتماعی را در کشور هایشان کم رنگ و یا حتا تعطیل کنند، به سرمایه داری کشورمان نیز دستور داده است همین کار را در ایران عملیاتی کند. کافی است نگاهی به آخرین گفته های مسولین ذریبط ببندازیم.

معاون روابط کار وزارت تعاون، کار، رفاه اجتماعی، نظری جلالی رویکرد اصلاح قانون کار را انعطاف پذیری بیشتر در روابط کار، رونق فضای کسب و کار، تشویق سرمایه گذاری، حفظ اشتغال و مزد منعطف دانست. (کار و کارگر ۹۰/۵/۲۵) دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی: باید انعطاف پذیری در قانون کار افزایش یابد و بسیاری از بندهای قانون کار که به روابط بین کارفرما و کارگر و اگذار شود. باید بخش هایی از قانون کار حذف شود. سنوات، بن کارگری جزو موارد دست و پا گیر کارفرمایان است که در نتیجه بیمه کارگران رخ می دهد و باید کلیه مزایایی مثل سنوات و بیمه در درجه اول در کارگاههای کوچک برچیده شود. (ایسنا ۹۰/۴/۲۱) وزیر کشور: ایران به نیروی کار افغانی نیاز دارد. اگر نیروی کار افغان از ایران بیرون برود، ما از نظر دستمزدها دچار مشکل می شویم. (آرمان ۹۰/۵/۲)

دوستان کارگر شما بگوئید چه فرقی بین سخنان معاون وزیر کار و دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایان وجود دارد؟؟ مگر کارگران ایرانی چقدر حقوق می گیرن دکه حتا وزیر کشور هم به این دستمزدها معترض است؟؟ در گوشه گوشه دنیا کارگران مهاجر مورد استثمار قرار می گیرند حقوق انسانی و کارگريشان نقض می شود تا هم کارگران آن کشور در رابطه با افزایش دستمزدهایشان تحت فشار باشند و هم با استثمار کارگران مهاجر سرمایه داران سود بیشتری کسب کنند که در مورد کارگران افغانی نیز همین اتفاق افتاده است و سخنان وزیر کشور هم موبد این مدعا ست.

مامی پرسیم کسانی که در درجه اول حذف بیمه و سنوات و کلیه مزایا را در کارگاههای کوچک را خواستارند، در درجه دوم چه می خواهند؟ جز برچیده شدن قانون کار تا بتوانند هرکاری با کارگران و خانواده هایشان بکنند دوران برده داری رازنده کنند. امروز کارگاههای کوچک فردا همه صنایع و بعد بی قانونی کامل و حاکم شدن قانون جنگل. مامی پرسیم مزد منعطف یعنی چه؟ جز اینکه به هر دستمزدی کارفرمایان تعیین کردند، ما حق اعتراض نداشته باشیم و برده و ارکار کنیم؟ تشویق کدام سرمایه گذار؟ سرمایه گذارانی که بابت دویست کارخانه های دولتی را ارزان خریده و پس از گرفتن وامهای کلان بدون پرداخت دستمزد کارگران فرار کرده و به خارج می روند؟؟ یا سرمایه گذارانی که وامهای دولتی را خرج وارد کردن دسته بیل و پوست خرپزه میکنند؟ و باعث رونق کسب کار خود ناپودی کشاورزان رامهیا می کنند؟ یا سرمایه گذارانی که تمام هم و غم شان در شاخص های بورس رقم می خورد؟

صندوق بین المللی پول به سرمایه داران همه کشورها دستور داده است که تامین اجتماعی باید خصوصی شده و به جزیک دستمزد بخورونمیر زحمتکشان نباید از هیچگونه مزایایی برخوردار باشند. اولین قدم در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۰ باتصویب طرح خروج کارگاههای زیرپنج نفر از شمولیت قانون کار در مجلس برداشته شد و ۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر از قوانین حمایتی قانون کار محروم شدند. دومین اقدام در این راستا بخشنامه وزارت کار در خصوص برداشته شدن شمولیت قانون کار در مناطق ویژه تجاری در کشورمان بود، یعنی بی حقوقی کامل در بخشی از کشور روزه شدن کاپیتالاسیون.

خواهران و برادران کارگر، اصلاح قانون کار در چارچوب سیاست های هدفمندی یارانه هانمی تواند تامین کننده منافع کارگران و زحمتکشان باشد. سرمایه داری جهانخوار با همدستی سرمایه داری انگل تجاری داخلی نه تنها استقلال و آزادی ما را بلکه نان فرزندانمان را نیز هدف قرار داده است.

ما با هم تکرار میکنیم، ما نخواهیم گذاشت آنچه دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان است با توصیه های سرمایه داری جهانی و تهاجم سرمایه داری انگل تجاری داخلی، از بین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان کافی است. داشتن قانون مترقی و حامی زحمتکشان، "تعمیق تامین اجتماعی، ریشه کن شدن فقر و محرومیت، امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی، شرکت فعال در رهبری کشور، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور" که در قانون اساسی نیز آمده از حقوق اولیه و مسلم ماست و خواستار اجرایی شدنش هستیم.

### دوستان کارگر

بی تردید خواست ما آسان نیست، اما اتحاد و عزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری پیش روی ماست. تصمیم امروز ما برای داشتن زندگی انسانی، آینده ای روشن را برای فرزندانمان به ارمغان خواهد آورد.

کارگران فلز کار مکانیک ۱۳۹۰/۵/۳۰

## مردم خلاق

زندگی ای آنکه از تو جان گرفت	نابسامانی سر و سامان گرفت
هرچه می بینم همه آثار توست	یکسره از کوشش پُریار توست
کی توان گفتن تورا بی برگ و بار	ای ز تو بنیاد هستی استوار
کی توان گفتن تو را سر بار کس	ای که دارد زندگی از تو نفس
تا تو هستی زندگی بر کام ماست	حاصل رنجت بجان مشکل گشاست
رهسپر هرگز نمی افتد زپا	راه مقصد، را تو باشی ره‌نما
زانکه از زحمتکشان سازندگیست	در امان یکسر بنای زندگیست

مردم خلاق گیتی را درود

خرم از آنهاست گلزار وجود

علی مرندی (کارگر)

## اصلاحیه ای بنام نابودی قانون کار

و فاسد که در تحقیق و تفحص مجلس تاکید گردیده، بستری برای رانت و دادن پاداش های چند صد میلیونی را ایجاد نموده است. از طرفی اینگونه دسترنج کارگران به غارت برده می شود و از طرف دیگر تامین اجتماعی با تصویب اصلاحیه قانون کار چشم اندازی جز نابودی ندارد.

جالب اینجاست که این اصلاحیه تناقض آشکاری با قانون اساسی دارد. بند ۱۲ از اصل سوم، اصول ۱۹- ۲۰- ۲۶- ۲۹، بند ۲ و ۳ و ۴ و ۸ از اصل ۴۳، اصول ۸۱ و ۱۰۴. معلوم نیست قانون کار باید با قانون اساسی مطابقت داشته باشد؟ یا قانون اساسی با قانون کار؟! اصل معلوم نیست در دیدگاه تدوین کنندگان، قانون اساسی چه جایگاهی دارد؟! شگفتی آنکه، اصلاحیه دست کارفرمایان و حتی شرکت های خارجی را بازگذاشته و در عوض اصولی که در قانون اساسی بطور دست و پا شکسته به نفع کارگران و زحمتکشان تعریف شده، نادیده می گیرد. آیا تدوین کنندگان می باید به قانون اساسی وفادار باشند یا به کارفرمایان؟؟

تدوین کنندگان این اصلاحیه، نسخه های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را کپی کرده بنام قانون کار می خواهند جامعه کارگری تحمیل کنند. آنچه در اروپا و آمریکا بنام بحران سرمایه داری در جریان است، نه به دلیل تنبلی و کار نکردن کارگران، بلکه بدلیل سفته بازی و بورس بازی و دادن وامهای بی حد و حصر و بدون پشتوانه رخ داده است. نمونه بارز در ایران اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی نام گرفته. سرمایه داری انگل تجاری، سندیکاهای کارگری و هرگونه تشکل کارگری را دشمن خود می دانند. همین دلیل در تصویب اصلاحیه قانون کار تشکلهای کارگری را خنثا و صنعت را وابسته و بیماری خواهد کرد. چرا در اصلاحیه قانون کار به قولهایی که وزرای مختلف کار در سالهای اخیر به سازمان بین المللی کار، در مورد آزادی سندیکاهای کارگری و آزادی رهبران سندیکایی در بند داده اند، نپرداخته است؟ چرا اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه پس از یکسال قول به سازمان بین المللی کار، به سرکار بازنگشته اند؟؟ چرا فعالین کارگری بدلیل حمایت از کارگران کارخانه های خود همچنان دستگیر و از کار بیکار می گردند؟؟ تدوین کنندگان از خود بپرسند نسخه های سازمان تجارت جهانی که ورود و خروج کالا و سرمایه و نیروی کار را آزاد می خواهد، چه گلی بر سر مردم زحمتکش یونان، ایتالیا، ایرلند... زده است؟؟ این کشورها برای سامان دادن اقتصادشان امروز دست گدایی به سوی چین دراز کرده اند. آیا می خواهید سرنوشت ما بدتر از این کشورها بشود؟؟

با این اصلاحیه سرمایه داری انگل تجاری باز هم با خرید

آنچه در اطلاعیه قبلی پیش بینی کرده بودیم متأسفانه به وقوع پیوست. نگاه عقب مانده ای که در سال ۱۳۶۰ با شور انقلابی و آگاهانه زحمتکشان با قدرت سندیکاهای کارگری سرکوب و به عقب رانده شده بود، امروز با تکابه سرکوب سندیکاهای کارگری و با زندانی کردن فعالین کارگری باهراندیشه ای، و با حربه بیکاری و گرانی، حمله به دستاوردهای یکصدساله طبقه کارگر را آغاز کرده است. این تهاجم به بهانه حذف مواد دست و پاگیر کارفرمایان همچون بیمه، بن کارگری، سنوات و پیمان منقطع برای رونق فضای کسب و کار، و با تفکر شیوه استادشگریدی مطرح گشت. در راستای این تفکر، اصلاحیه ای برای حذف قانون کار در وزارت کار تدوین و هفته دیگر به مجلس ارائه خواهد شد. وزیر کار ۱۰ روزه تشکلهای کارگری و کارفرمایی مهلت داد، تاخواست های خود را اعلام کنند. آنچه وزیر کار بدان توجه ننموده است خواست کلیه کارگران ایران برای حفظ حداقل قانون کار فعلی است. اگر وزیر محترم نگاهی به روزنامه های انداختند، از بیانییه ها و مصاحبه های فعالین کارگری به نگرانی شدید طبقه کارگر پی می برند. اگر زحمتکشان و کلیه مزدگیران، که نظامیان و آموزگاران را نیز در برمی گیرد، خواهان تغییر قانون کار نیستند و نفعی از آن نمی برند، پس چه کسانی خواهان تغییر قانون کار هستند و از این طریق چه نفعی می برند؟

پیگیری چندساله دولت و اعلام کارفرمایان، حذف بسیاری از مواد قانون کار برای بهبود وضعیت کسب و کار در ایران و نارضایتی صندوق بین المللی پول از قانون کار و سازمان تامین اجتماعی که سد پیشرفت سرمایه گذاری در ایران نامیده شده، مهمترین عناصر خواهان تغییر قانون کار در ایران هستند. حذف کارگاههای حنازیر ۱۰۰ نفر از شمولیت قانون کار، افزایش سن بازنشستگی به ۶۵ سال، دادن حق اخراج به کارفرمایان، بی اثر کردن فصل ششم قانون کار و تشکل های کارگری، موکول کردن تعیین دستمزدها به توافق کارگرو کارفرما، قانونی کردن عدم الویت پرداخت حقوق کارگران بنام دیون کارفرما، رسمیت بخشیدن به کار روزمزدی و ساعت مزدی و در یک کلام نابودی دستاوردهای یکصد ساله کارگران که بخشی از آن در اصلاحیه فعلی کارنمود دارد، حاصل تلاش دوساله دولت، کارفرمایان، و عوامل صندوق بین المللی پول است.

تضعیف تامین اجتماعی با بخشودگی های غیر لازم سهم بیمه ای کارفرما، خارج شدن کارگاههای تا زیر ۱۰ نفر، عدم شمولیت قانون کار و تامین اجتماعی برای مناطق ویژه تجاری، ضربات کاری بود که به صندوق تامین اجتماعی وارد آمد. دولت نیز با نپرداختن بدهی های خود به این سازمان ضربات پی در پی به صندوق تامین اجتماعی وارد کرده و با نهادن مدیران نالایق

یارانه هانمی تواند تامین کننده منافع کارگران و همه مزدبگیران باشد. سرمایه داری جهانی باهدمستی سرمایه داری انگل تجاری داخلی نه تنها استقلال و آزادی مارابلیکه نان فرزندانمان رانیز هدف گرفته است.

مابازهم تکرارمی کنیم، نخواهیم گذاشت آنچه دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان است باتوصیه های سرمایه داری جهانی وتهاجم سرمایه داری انگل تجاری داخلی، ازبین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان کافی است داشتن قانون مترقی وحامی زحمتکشان "تعمیق تامین اجتماعی، ریشه کن شدن فقر ومحرومیت، امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، فرصت وتوان کافی برای خودسازی معنوی وسیاسی واجتماعی، شرکت فعال در رهبری کشور، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور" که در قانون اساسی نیز تاکید شده، از حقوق اولیه ومسلم ماست و خواستار اجرایی شدنش هستیم. دوستان کارگر بی تردید خواست ما آسان نیست، اما اتحاد وعزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری پیش روی ماست. تصمیم امروز ما برای داشتن زندگی انسانی، آینده ای روشن رابرای فرزندانمان به ارمغان خواهد آورد.

کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۹۰/۸/۲۵

کارخانه های تولیدی به مبلغی ارزان و گرفتن وامهای آنچنانی از سیستم بانکی در خدمت تجار، که در اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی دیده شده، تنها دستمزد کارگران شان در صنایع فولاد و لوله سازی اهواز راندانده، بلکه با وامهای گرفته شده به واردات محصولات فولادی پرداختند تا کارخانه هایشان فروش نداشته باشند و با به رکود کشاندن این کارخانه ها همچون همتای کارفرمای خود در کارخانه نخ نایلون پارسیلون لرستان پس از سرگردان کردن ۱۵۵۰ کارگر باتغییر کاربری زمین های کارخانه رابفروش رسانده وبازهم به وارد کردن نخ نایلون بپردازند.

مصوب کنندگان حقوق مادام العمر برای خود، آیا از خود نمی پرسند: که مرگ تدریجی با ۳۳۰ هزار تومان دستمزد در ماه برای زحمتکشان بس نیست؟؟ آیا بیکاری فزاینده، آنها با آمار دولتی ۱۴ درصد کافی نیست؟؟ افزایش طلاق، اعتیاد، سرقت، قتل، کودکان خیابانی، دختران فراری، زنان خودفروش، کارتین خوابها، وحتا افزایش فروشندگان کلیه وکاهش نرخ کلیه، برای جامعه وامنیت ملی امان خطر آفرین نیست؟؟ با این اصلاحیه جامعه رابه کجا می خواهید ببرید؟؟ خواهان وبرادران کارگر اصلاح قانون کار در چارچوب سیاست های هدفمندی

## با حذف یارانه ها از ساختار اقتصاد کشور و جهانی شدن قیمت کالاها ، باید دستمزد زحمتکشان نیز جهانی شود.

مردم ایران با تحریم خرید کالاهای خارجی مشابه داخل، برادران و خواهران کارگیشان را در واحدهای تولیدی بیکار نخواهند کرد. تحریم خرید کالاهای خارجی، مبارزه با سرمایه داری انگل تجاری وابسته به سرمایه داری جهانی است.

ابراهیم مددی، رضاشهبایی، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد  
اتوبوسرانی تهران را از زندان آزاد کنید.



ما نیز ۹۹% هستیم